



لبخندِ شنیدنی در روزگار جدیت

در روزگاری که شبکه‌های اجتماعی با انبوهی از شوخی‌های لحظه‌ای و محتوای گذرا، مفهوم خنده



فاطمه عودباشی
دبیر
قاب‌کوچک

را به سطحی‌ترین شکل ممکن رسانده‌اند، رادیو هنوز مأمِن لبخندهای عمیق و اصیل است. طنز در رادیو نه‌تنها برای خنداندن بلکه برای اندیشیدن طراحی می‌شود؛ جایی که واژه‌ها، صداها و سکوت‌ها با دقت کنار هم می‌نشینند تا از خلال شوخی، حقیقتی جدی‌تر را یادآوری کنند.

رادیو رسانه‌ای است که خنده را از تصویر تهی می‌کند و به اندیشه می‌سپارد. مخاطب در مواجهه با طنز رادیویی، نه بر چهره بازیگر بلکه بر مفهوم و موقعیت تمرکز می‌کند. همین بی‌تصویری، قدرت تأثیرگذاری طنز را دوچندان می‌سازد. وقتی بازی با واژه‌ها جایگزین ژست و حرکت می‌شود، شنونده فرصت پیدا می‌کند طنز را در ذهنش تصویر کند و با آن همراه شود. این همان نقطه تمایز رادیو با سایر رسانه‌هاست؛ جایی‌که خنده شنیدنی از جنس تفکر است نه واکنش لحظه‌ای.

تاریخ طنز رادیویی در ایران، ریشه در برنامه‌هایی دارد که بخشی از حافظه جمعی مردم شده‌اند. از «صبح جمعه با شما» تا «جمعه ایرانی»... نسل‌های متعددی با این صداها خندیده و در عین حال فکر کرده‌اند. طنز در این برنامه‌ها فراتر از شوخی‌های روزمره حرکت کرده است؛ نیشخند به موقع به کاستی‌ها، نقدی مؤدبانه به رفتارهای اجتماعی و تلنگری برای مدیران و مردم. شاید راز ماندگاری آنها در همین باشد. می‌توان گفت تعادلی میان نقد و لبخند، میان صراحت و ادب رسانه‌ای.

در دهه اخیر، با گسترش پادکست‌ها و رسانه‌های دیجیتال، طنز رادیویی وارد مرحله‌ای تازه شده است. امروز نویسندگان و تهیه‌کنندگان رادیو دریافته‌اند که مخاطب نسل جدید نه‌تنها به شوخی می‌خندد بلکه از رسانه انتظار دارد حرفی تازه بشنود. برنامه‌های طنز موفق، دیگر صرفاً به بازنمایی موقعیت‌های خنده‌دار نمی‌پردازند بلکه سراغ تضادهای واقعی جامعه، دغدغه‌های روزمره و حتی دردهای پنهان مردم می‌روند. خنده در این فضا، ابزاری برای درمان است؛ شکلی از گفت‌وگو میان رسانه و جامعه.

مخاطب رادیو در این روند نقشی فعال دارد. او تنها شنونده نیست بلکه همراه، تحلیلگر و حتی منتقد است. وقتی طنز رادیویی توانایی ایجاد همذات‌پنداری با شنونده را پیدا می‌کند، از یک سرگرمی صرف فراتر رفته و به تجربه‌ای مشارکتی بدل می‌شود. همین تجربه باعث می‌شود مخاطب، علاوه بر خندیدن، به مسائل اجتماعی و فرهنگی نگاه تازه‌ای پیدا کند.

رادیو در مقام رسانه ملی، وظیفه‌ای سنگین‌تر از سرگرم کردن مخاطب دارد. طنز می‌تواند در این چارچوب، نقش واسطه‌ای فرهنگی ایفا کند؛ پلی میان مردم و سیاست‌گذاران. در شرایطی که جامعه با مباحث مختلف روبه‌روست لبخند رادیویی شاید کوچک به نظر برسد اما می‌تواند آمیدی بزرگ بسازد.

تجربه نشان داده برنامه‌های طنز رادیویی در بحران‌ها و شرایط سخت اجتماعی، تأثیر روانی شگفت‌انگیزی دارند. خنده‌ای که از دل صدا بیرون می‌آید، به مخاطب احساس آرامش می‌دهد و به او یادآوری می‌کند که در مواجهه با مشکلات، هنوز امکان بازنگری و امید وجود دارد. همین ظرفیت باعث شده طنز رادیویی نه‌تنها جنبه سرگرمی داشته باشد بلکه ابزاری برای ارتقای سلامت روان و اجتماعی محسوب شود.

برنامه‌سازان رادیو امروز بیش از هر زمان دیگر نیاز دارند طنز را به‌مثابه زبان دوم رسانه درک کنند چراکه طنز می‌تواند نقشی کلیدی در بازسازی اعتماد عمومی و افزایش مشارکت اجتماعی ایفا کند. شوخی درست، گاهی از هزاران پیام رسمی مؤثرتر است.

در نهایت، رادیو با همه سادگی و بی‌ادعایی‌اش هنوز این توانایی را دارد که جامعه‌ای خسته را به لبخند دعوت کند. صدای طنزپردازان پشت میکروفن، تنها یزواکی از خنده نیست؛ صدای انسان‌هایی است که هنوز به گفت‌وگو، نقد و امید باور دارند. رادیو هنوز این صدا را زنده نگه داشته و می‌توان گفت نه‌تنها رسانه‌ای سرگرم‌کننده بلکه نهادی فرهنگی و اخلاقی است که لبخند را از جنس تفکر به جامعه هدیه می‌دهد.

بازیگری برایم زندگی است نه فقط نقش

سوسن مقصودلو سال‌هاست که با نقش‌هایش زندگی کرده؛ نه فقط بازی. او از آن دسته بازیگرانی است که نقش را لمس می‌کند، با آن نفس می‌کشد و بعدی‌هایهاو از آن جدامی‌شود. حالادرآستانه فصل تازه‌ای از فعالیت‌های هنری‌اش، از حضور در برنامه «چهل‌تیکه» با اجرای داریوش کاردان

رقیه واعظ‌نژاد

گروه
قاب‌کوچک

رقیه‌بقائی

گروه
قاب‌کوچک



در عصر تصویر و سرعت، جایی که چشم‌ها مدام درگیر مفحه‌ها هستند، هنوز مدایی هست که بی‌تصویر می‌خنداند، نقد می‌کند و خیال می‌سازد. طنز رادیویی، هنری است که با ابزار محدود، جهانی بی‌مرز خلق می‌کند؛ جهانی که در آن بازیگر با صدا نقاشی می‌کشد، نویسنده با کلمات تیپ می‌سازد و مخاطب با گوش، تصویر می‌بیند.

رادیو این رسانه گرم و جمعی، بستری است برای بیان دغدغه‌های اجتماعی به زبان طنز؛ زبانی که هم سرگرم می‌کند و هم آگاه. در دل این مدیوم شنیداری، هنرمندانی هستند که با تجربه، خلاقیت و عشق، شخصیت‌هایی ماندگار خلق کرده‌اند؛ تیپ‌هایی که از دل جامعه آمده‌اند و در ذهن مخاطب با خوش کرده‌اند.

در ادامه با پنج چهره برجسته طنز رادیویی همراه می‌شویم؛ از تهیه‌کننده و نویسنده گرفته تا بازیگر و صدایپیشه. هر کدام آنها از راه‌های پشت صحنه طنز رادیویی می‌گویند؛ از چالش‌ها، شیرینی‌ها و لحظه‌هایی که فقط در رادیو ممکن است.

در روزگاری که رسانه‌ها با تصویر و سرعت

مخاطب را احاطه کرده‌اند، رادیو همچنان با صدای گرم و خیال‌برانگیزش، جایگاه ویژه‌ای در دل شنونده‌ها دارد. ساجد قدوسیان، تهیه‌کننده، سردبیر و کارگردان باسابقه رادیو در گفت‌وگو با قاب کوچک شنیداری گفت. از تیپ‌هایی که از دل جامعه راده شده‌اند تا شخصیت‌هایی که با صدای مردم جان گرفته‌اند. او معتقد است طنز در رادیو نه‌تنها ابزاری برای سرگرمی، بلکه زبانی برای نقد اجتماعی و گفت‌وگو با مخاطب است؛ بی‌واسطه،

بی‌برده و بی‌تصویر. او با نگاهی عمیق به ماهیت رسانه رادیو، از ویژگی‌های منحصرربه‌فرد آن در

ارتباط‌گیری با مخاطب گفت و تأکید کرد. قدوسیان در پاسخ به ضرورت تولید طنز گفت: طنز فقط برای خنداندن نیست؛ زبان نقد است. با شوخی و خنده می‌توان نقاط ضعف را به مخاطب منتقل کرد. این زبان از دیرباز برای بیان مسائل اجتماعی استفاده شده. چون مستقیم گفتن‌شان گاهی باعث کدورت می‌شود. رادیو به‌عنوان رسانه‌ای گرم، قدیمی و جمعی، بستری عالی برای این نوع بیان است؛ هم در سطح کلان مدیریتی و هم در امور اجتماعی روزمره. او افزود: طنز موفق آن است که از دل جامعه بیرون بیاید. وقتی مخاطب می‌شنود، خودش را در آن موقعیت می‌بیند. این یعنی نقش آفرینی اجتماعی واقعی. اگر سوزه عمومی باشد و مردم درباره‌اش اتفاق نظر داشته باشند، طنز تأثیرگذارتر خواهد بود.

قدوسیان فرآیند شکل‌گیری تیپ‌های نمایشی را یک چرخه چهارگانه شامل جامعه، بازیگر، نویسنده و تیم تولید دانست و ادامه داد: نمی‌توان مسیر ثابتی برای همه تیپ‌ها در نظر گرفت. ما از جامعه شخصیت استخراج می‌کنیم، باتوانایی بازیگران تطبیق می‌دهیم. نویسنده نقش را می‌نویسد و تیم تولید

می‌گوید، از پیشنهادهایی که به‌خاطر شرایط جنگی متوقف شده‌اند و از عشقی که هنوز به بازیگری دارد؛ عشقی که با مطالعه، تجربه و همدلی زنده نگهش داشته است. در گفت‌وگویی صمیمی با سوسن مقصودلو، این بازیگر باسابقه و خوشنام تئاتر و تلویزیون، از تجربه‌های تازه، خاطرات قدیمی و نگاه انسانی‌اش به هنر گفت؛ هنرمندی که بازیگری را نه صرفاً حرفه، بلکه راهی برای لمس زندگی و ارتباط با مردم می‌داند. مقصودلوا این روزها در حال همکاری با سری جدید برنامه چهل تیکه است؛ برنامه‌ای تلویزیونی با اجرای داریوش کاردان که در مرحله تولید قرار دارد. او درباره

فعالیت‌های اخیرش گفت؛ امسال چند پیشنهاد کاری داشتم اما متأسفانه به دلیل شرایط جنگ و مسائل پیش آمده، فعلاً شروع نشده‌اند. امیدوارم در آینده شرایط بهتر شود و اگر نقشی خوب باشد، حتماً قبول می‌کنم، چون بازیگری را خیلی دوست دارم. آواز علاقه‌اش به مطالعه این‌طور گفت: همیشه کتاب‌هایی مرتبط با کارم را می‌خوانم؛ نمایشنامه، شعر، رمان، حتی کتاب‌های کودکان؛ هر چیزی که به درک بهتر نقش کمک کند برایم جذاب است. اولین تجربه بازیگری‌اش به سال ۱۳۵۶ بازمی‌گردد، زمانی که دانشجوی سال دوم رشته تئاتر در دانشکده هنرهای زیبا بود. او از



طنز رادیویی؛ رسانه‌ای گرم برای نقد اجتماعی با صدای مردم

کارگردانی به موضوع پرداخت و گفت: در رادیو، رنگ‌آمیزی صدای بازیگران باید متفاوت باشد. چون مخاطب فقط از راه شنیدن با ما در ارتباط است، صداها نباید شبیه هم باشند. این تنوع هم در طراحی تیپ‌ها کمک می‌کند، هم مخاطب دچار سردرگمی نمی‌شود.

او با تأکید بر این‌که انتخاب بازیگر علاوه بر توانمندی حرفه‌ای، نیازمند اخلاق کاری و هماهنگی با فضای رادیویی است، افزود: در انتخاب بازیگر، هم مسائل حرفه‌ای مهم است و هم اخلاق کاری اما از نگاه کارگردانی، تنوع صداها و هماهنگی با تیپ‌ها اولویت دارد.

قدوسیان محدودیت‌های رادیو را نه ضعف بلکه ویژگی دانست و تأکید کرد: این‌که فقط از ابزار شنیداری استفاده می‌کنیم، یک امکان است نه محدودیت. مثل این است که در دریا شنا می‌کنیم، نه می‌دویم. باید زمین بازی را بشناسیم. کمدی موقعیت در رادیو بسیار ارزشمند بوده و فضاسازی ذهنی یکی از ابزارهای بکر این رسانه است. او با تأکید بر این‌که تصویری شدن طنزهای رادیویی ممکن است از جذابیت آنها بکاهد، گفت: طنز رادیویی از ابزارهای شنیداری برای خنداندن استفاده می‌کند اما ممکن است همان طنز در تلویزیون آن‌قدر جذاب نباشد. این تفاوت باید در طراحی مدیوم‌ها لحاظ شود.

قدوسیان در پایان به اهمیت متن در شکل‌گیری تیپ‌ها اشاره و اظهار کرد: اگر تیپ در متن شکل نگیرد، در اجرا هم موفق نخواهد بود. گاهی تیپ‌ها در اجزائی‌گیرند حتی اگر در طراحی خوب باشند. گاهی هم تیپ‌های مکمل از دل اجرا و بداهه پردازی شکل می‌گیرند و در صورت موفقیت، جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کنند.

آن را اجرا می‌کنند. گاهی هم تیپ‌هایی به‌صورت بداهه شکل می‌گیرند و اگر مورد اقبال مخاطب قرار گیرند، پیرنگ‌تر می‌شوند. او با تأکید بر این‌که هیچ تیپی در برنامه‌هایش بدون توجه به شخصیت‌های واقعی جامعه شکل نگرفته است، گفت: خیلی وقت‌ها مردم از طریق راه‌های ارتباطی برنامه، مشکلات‌شان را مطرح کرده‌اند. ماتپ‌هایی ساختیم که نزدیک به خواسته‌های آنها بوده و همین باعث شده برنامه‌ها برای‌شان دوست‌داشتنی باشد. قدوسیان به نمونه‌ای از این تجربه اشاره کرد و افزود: در یکی از برنامه‌ها، یک تیپ مکمل توسط پاسور اجرا شد که ناخودآگاه مورد استقبال مخاطب قرار گرفت. ما به آن تیپ پر و بال و جهت اجتماعی دادیم و در نهایت تبدیل به شخصیتی محبوب شد. این یعنی مردم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری تیپ‌ها دخیل هستند. قدوسیان با تأکید بر تفاوت‌های رادیو و تلویزیون گفت: مدیوم رادیو و تلویزیون کاملاً متفاوتند. در رادیو تنها ابزار ارتباطی گوش است. ما اصطلاحی با این عنوان داریم: آدمی فربه شود از راه گوش. رادیو رسانه تخیل‌برانگیز است. مخاطب فقط می‌شنود و در ذهنش تصویر می‌سازد. در تلویزیون همه چیز عینی است و فضای ذهنی کمتری باقی می‌گذارد.

این تهیه‌کننده، سردبیر و کارگردان باسابقه رادیو ادامه داد: در رادیو می‌توان یک فضا را ترسیم کرد که هر مخاطب برداشت خودش را داشته باشد. این یکی از جذابیت‌های کار رادیویی است. در تصویر، همه یک چیز را می‌بینند اما در رادیو، هرکس چیزی را می‌شنود و در ذهنش می‌سازد. در بخش انتخاب بازیگر، قدوسیان از نگاه

«ندای دل» برای شبکه تماشا، «آبشار سرنوشت» برای شبکه پویا و «داستان یک خانواده» برای شبکه دو. وی تأکید می‌کند: همه کارهایش را با عشق انجام داده و نمی‌تواند بگوید کدام برایش ارزش بیشتری داشته است. باین‌حال از یک نقش خاص با شوق یاد می‌کند؛ این اواخر کاری بود که خیلی دوستش داشتم؛ سریال «افسانه مین‌جه» که به جای کارآگاه «مین‌جه» صحبت می‌کردم. این نقش هم انرژی خیلی زیادی از من می‌گرفت و هم لذت می‌بردم.

عصر تلایی دوبلاژ در صداوسیما

آزیر معتقد است این روزها واحد دوبلاژ سازمان صداوسیما یکی از بهترین دوره‌های خود را می‌گذراند. با وجود آقای فرشید شکبیا، مدیر واحد دوبلاژ تلویزیون، بهترین دوره دوبله سازمان را تجربه می‌کنیم. قبل از او هم مدیرانی بودند که زحمت کشیدند

گفت‌وگوی

تیپ‌سازی در رادیو

نقاشی با صدا

در دنیای نمایش‌های صوتی؛ جایی که نمی‌شود و شخصیت‌ها با صدا جان می‌گیرند چهره‌های ماندگار و خلاق رادیو و تلویزیون ان گرم و پرکنه با قاب کوچک، از راه‌های تیر بازیگری در رسانه‌های مختلف و الهام از زندگی لطافات طنز سخن گفت؛ گفت‌وگویی که و هم آموزند.

عباس محبی در ابتدای گفت‌وگو با اشاره به میان بازیگری در رادیو و تلویزیون گفت: در تلو است؛ نور، گریم، میزانشن و تیم اجرایی بزرگ باید با صدا منتقل شود. تخیل شنونده، هماه رادیویی است. او با تأکید بر نقش تخیل مخ وقتی نقش یک کاپیتان کشتی را بازی می‌کنم خود طوفان، کشتی و مسافران را تصویر کند محبی در ادامه به اهمیت اجتماع در خلق بیان کرد؛ ما در میان مردم زندگی می‌کنیم. از گرفته تا وانت‌بارهایی که در کوچه داد می‌زن باید با نگاه هنری، رفتارها و لهجه‌ها را تحلیل میان تصویرگر ژانل و کاریکاتوریست گفت: در

طنز هم مثل کاریکاتور باید ویژگی‌ها را برجسته کرد. مثلاً تیپ‌هایی با صدای گلوبی، دماغی، یا لرزان می‌توانند شخصیت‌هایی خاص خلق کنند. محبی در پایان ضمن تشکر از روزنامه جام‌جم اظهار کرد: در این روزگار سخت چاپ و گرانی کاغذ، انتشار یک روزنامه کار بزرگی است. امیدوارم مردم از آن استقبال کنند و شما هم بدرخشید.

اما الان آقای شکبیا تمام واحد دوبلاژ را به‌گونه‌ای دیگر مدیریت کرده است؛ هم تعداد کارها و هم تعداد گویندگان بیشتر شده و دلسوزانه برای این واحد زحمت می‌کشد. وی در ادامه به مسأله دستمزدها اشاره می‌کند: دستمزد گویندگان واقعا نسبت به زحمتی که می‌کشند و زمانی که برای این کار می‌گذارند ناچیز و پایین است؛ البته با حضور آقای شکبیا دستمزدها بیشتر شد ولی واقعیت این است که حالا حالاها نمی‌توانیم به یک حد نرمال از درآمد روزمره مردم برسیم، چه برسد به این‌که ما هنرمند هستیم و برای این حرفه بسیار تلاش می‌کنیم. به گفته او، دوبلاژ سیما به دو بخش تقسیم می‌شود: قبل از ورود آقای شکبیا و بعد از ورود او. آن‌قدر تفاوت کرده که من و همه همکارانم از او بسیار قدرداریم و امیدواریم که حالا حالاها اینجا باشد. خدا به ایشان سلامتی بدهد، چون بی نظیر است.

در گفت‌وگوی شیلا آذیر با «قاب‌کوچک» مطرح شد

از پاسداری یک نام تا نفسی تازه دوبله در روزگار امروز

وقتی هنر به زیست تبدیل می‌شود

شیلا آذیر این چنین آغاز می‌کند: خیلی خوشحالم که در یک خانواده هنری به دنیا آمدم و توانستم در کنار همسرم امیر حکیمی خانواده هنری دیگری را بسازم. او با همین مقدمه مشخص می‌کند که هنر برایش نه شغل، که زیست است؛ زیستی که از پدر به ارث برده و در خانه خودش ادامه داده است. با حسرتی پنهان، از نام خانوادگی‌اش می‌گوید: خوشحالم که توانستم نام آذیر، نام پدرم که از پیشکسوتان و بزرگان این حرفه بودند را زنده نگه دارم. روح‌شان شاد. هزاران حیف کنارم نیستند



معصومه نورزاد
گروه
قاب‌کوچک

شیلا آذیر، گوینده و مدیر دوبلاژ، از معدود زنان موفق است که نه‌تنها میراث یک خانواده هنری را بر دوش می‌کشد بلکه خود در کنار همسرش امیر حکیمی، خانواده‌ای دیگر در هنر دوبله بنا کرده است. او در گفت‌وگویی روایت‌گونه با قاب کوچک از زندگی و کارش می‌گوید.